

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه معاهده معاضدت دوجانبه در امور کیفری بین
جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره»

مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل، اصل همکاری دولت‌هاست که از جلوه‌های آن همکاری‌های حقوقی و قضایی است. امروزه عموماً چارچوب حقوقی این همکاری‌ها در موافقتنامه‌های دو یا بعضاً چندجانبه تعریف می‌شود. خود این موافقتنامه‌های چندجانبه، قالب‌های متفاوتی دارند. یکی از این صورت‌ها، انعقاد موافقتنامه‌های استرداد مجرمان، همکاری قضایی کیفری یا حقوقی و انتقال محکومان به حبس است. موافقتنامه حاضر در زمره موافقتنامه‌های همکاری کیفری است و در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۲ کمیسیون قضایی - حقوقی مجلس با الحاق یک تبصره به تصویب رسیده است. در اینجا لازم است انواع معاهدات همکاری‌های دوجانبه حقوقی و قضایی و ویژگی آنها روشن شود تا جایگاه لایحه «معاهده معاضدت دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره» مشخص گردد.

۱. **معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین:** در این‌گونه از معاهدات، شخصی به‌واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است، اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضاکننده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل نماید.

درواقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به‌واسطه جرم و یا جرائمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد»^۱. موافقتنامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.^۲

مخصوص سخن علمی

مشخصات لایحه

دوره دهم - سال اول

شماره ثبت:

۲۱۳

شماره چاپ:

۴۵۰

تاریخ چاپ:

۱۳۹۵/۱۲/۲۳

معاونت پژوهش‌های

سیاسی - حقوقی

دفاتر:

مطالعات حقوقی

مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۵۲۸۳-۱

تاریخ انتشار:

۱۳۹۶/۱/۱۴

1. UNODC Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition, Vienna September 2012, p.41.

۲. به‌عنوان مثال موافقتنامه استرداد بین کانادا و اروگوئه به سال ۱۸۸۵ باز می‌گردد.

۲. معاهدات راجع به انتقال محکومین: در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی - حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری نماید. بر این اساس، معمولاً در اینگونه از موافقتنامه‌ها خود محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده و درخواست انتقال از سوی کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد، ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

بر اساس آنچه بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست درحالی‌که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی‌که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور تقاضاشونده نقض گردیده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی‌که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری: این نوع موافقتنامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم و مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضایی منعقد می‌شوند. برخی از معاهدات بین‌المللی در کنار موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای که میان دولت‌ها منعقد می‌گردند نیز به این نوع از همکاری‌ها اشاره دارند. یکی از نمونه‌های درج چنین مقرراتی در معاهدات چندجانبه، ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشاء و ارتشاء مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی است که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضایی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.^۱

۴. معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی: این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضایی، جلب نظر کارشناس و ... منعقد می‌شوند.

بررسی لایحه معاهده

اصولاً معاهداتی که در عرصه همکاری حقوقی و قضایی منعقد می‌شود از یک قالب کلی تبعیت می‌نمایند که معاهده پیش‌رو نیز از این امر مستثنا نیست. کشورهای طرف این‌گونه معاهدات با توجه به سطح روابط و تعامل اتباعشان با کشور مقابل،

1. Typology on Mutual Legal Assistance in Foreign Bribery Cases, p 3&13, available at: <http://www.oecd.org/daf/anti-bribery/TypologyMLA2012.pdf>

میزان همکاری در امور کیفری را تعیین می‌کنند. این معاهده نیز همچون معاهدات دیگر در این حوزه، در قالب اصول شناخته شده بین‌المللی در عرصه همکاری، از قبیل احترام به حاکمیت طرف‌ها، قاعده مجرمیت مضاعف، استثنای نمودن جرم سیاسی، جرم نظامی، استثنای امنیت ملی، تعقیب و محاکمه به دلایلی از قبیل نژاد، جنسیت، داشتن اعتقاد سیاسی خاص و... منعقد شده است.

مندرجات این موافقتنامه زمانی قابلیت اجرایی خواهد یافت که تحقیق یا تعقیب یک امر کیفری در یکی از کشورهای طرف معاهده با کشور دیگر معاهده ارتباط بیابد. این ارتباط می‌تواند به‌واسطه حضور یک شخص در مقام شاهد، مطلع یا کارشناس، وجود اموال ناشی از جرم، وجود ادله و مستندات رقم بخورد. به‌واسطه عدم وجود حاکمیت در سرزمین دیگر و لزوم اجرای عدالت به شکل صحیح، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره تصمیم گرفته‌اند تا در حد امکان و لزوم به فرآیند رسیدگی قضایی و اداری یکدیگر احترام بگذارند و مقدمات نیل به نتیجه این فرآیندها را تا حد ممکن تسهیل نمایند. درخصوص این موافقتنامه ذکر نکات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱. بند «۳» ماده (۱) برخی جرائم خاص همچون جرائم مالیاتی را با صراحت مشمول این موافقتنامه قرار می‌دهد. گرچه تصریح به برخی مصادیق از نظر منطق حقوقی قابل دفاع است با این حال به نظر می‌رسد نگرارش یا ترجمه این بند به نحو مناسبی صورت نگرفته است. به‌عنوان مثال عبارت «جرائم علیه قوانین» در این بند عبارت نامأنوسی است و یا اینکه مشخص نیست مقصود از عبارت «دیگر مسائل مربوط به درآمد» صرفاً جرائم مالی و اقتصادی است و یا تخلفات مالی را نیز در بر می‌گیرد.

۲. این موافقتنامه در بند «۵» ماده (۱) خود مواردی را که از شمول آن خارج است عنوان می‌کند. این موارد عبارتند از: استرداد، انتقال محکومین به حبس برای تحمل ادامه مجازات، انتقال رسیدگی در امور کیفری و عدم اجرای احکام کیفری در کشور درخواست‌شونده. دلیل خروج این موضوعات از قلمرو این معاهده آن است که تمام این مصادیق دارای قالب‌های خاص خود هستند و به‌صورت مجزا در معاهدات دیگری انعکاس می‌یابند.

۳. این موافقتنامه نیز همانند معاهدات دیگر درخصوص همکاری‌های حقوقی و قضایی می‌تواند با ایراد پذیرش احکام صادره از مراجع قضایی غیراسلامی روبرو شود. به‌ویژه ماده (۱۰) این موافقتنامه که درخصوص اخذ شهادت شهود است به‌واسطه اثر آن در اثبات جرم می‌تواند خلاف شرع تلقی گردد.

۴. به‌موجب ماده (۱۸) این موافقتنامه، درخواست معاضدت و اسنادی که در پاسخ به درخواست معاضدت ارسال می‌گردند نیاز به تصدیق ندارند. هرچند در ظاهر امر، این مسئله خلاف اصول آیین دادرسی درخصوص لزوم تصدیق اسناد خارجی می‌باشد، اما هدف این معاهده که تسهیل همکاری‌ها و معاضدت قضایی است عامل موجه این نوع همکاری و تساهل‌ها می‌باشد.

۵. در مصوبه کمیسیون، تبصره‌ای با این مضمون که رعایت اصول هفتادوهفتم و یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی درخصوص اجرای موافقتنامه الزامی است به ماده واحده تصویب لایحه اضافه شده است. با توجه به متن موافقتنامه باید عنوان نمود که این سند حاوی مقرره‌ای درخصوص اصلاح نیست، لذا محلی برای اجرای اصل هفتادوهفتم قانون اساسی وجود ندارد. همچنین حل اختلافات طرفین صرفاً محدود به مذاکره شده است و راه‌حل حقوقی پیش‌بینی نشده است؛ لذا اعمال اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی نیز ضرورتی ندارد. از این‌رو ذکر این دو اصل از قانون اساسی مورد نیاز نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به اینکه این موافقتنامه در ارتباط هرچه عمیق‌تر دو کشور و تسهیل فرآیند دادرسی و تحقیقات کیفری مفید به فایده می‌باشد کمیسیون قضایی - حقوقی با الحاق یک تبصره، آن را تصویب نموده است. هرچند تصویب این موافقتنامه با مانعی مواجه نیست، لیکن نظر به عدم نیاز به تبصره الحاقی به نحو مطرح در مصوبه کمیسیون، تصویب معاهده بدون تبصره الحاقی مورد پیشنهاد است.

